

## زندگی زرتشت (بخش کوتاهی از مقدمه) :

بگزارشِ دکتر جلیل دوستخواه در مقدمهٔ کتابِ فخیمِ "اوستا، کهن‌ترین سرودهای ایرانیان" که به فرخندگی سه هزارمین سال زادروز زرتشت، اعلام شده از طرف موسسهٔ با اعتبار یونسکو، اخیراً به چاپ رسیده است. باتشکر صمیمانه از محبتِ دکتر دوستخواه بخاطر این هدیهٔ گرانبها و با تشکر از انتشارات مروارید برای ارسال آن. برای سفارش لطفاً با آدرس زیر تماس بگیرید:

خیابان انقلاب، مقابل دانشگاه تهران، تهران، ایران..... کدپستی ۱۳۱۴۵/۱۶۵۴

xxx

در بارهٔ زمانِ زندگی "زرتشت" سرایندهٔ پنج "گاتا" یا "گاهان پنجگانه"، چندان نظریه‌های گوناگون و ناسازگاری ابراز شده است که جوینده و پژوهنده را برآستی دچار سرگردانی میکند.

روایتِ سنتی زرتشتیان، زمانِ زندگی زرتشت را در حدودِ سیصدسال پیش از اسکندر، یعنی از حدودِ نیمهٔ دوم سدهٔ هفتم تا اوایل سدهٔ ششم پیش از میلاد (سالهای ۶۶۰ تا ۵۸۳ پ.م.) میداند. این روایت - که مبتنی بر متنهای پارسی میانه (بندهش و جز آن) است - زادروز زرتشت را خرداد روز (ششم) ماه فروردین و درست در آغاز چهارمین هزارهٔ آفرینش جهان تعیین میکند و ناگفته پیداست که از بینش اساطیری و نگرش دینی مایه میگیرد.

یکی از دلیلهایی که پذیرندگان این روایت معمولاً برای اثباتِ درستی آن می آورند، تصور یکی بودنِ "ویشتاسپ" پدر

داریوش یکم، و "گوی ویشتاسپ" (= کی گشتاسپ) فرمانروای دین پذیرفتار همزمان زرتشت است. حال آنکه اگر این دونام از یک تن بود و "زرتشت" در زمان داریوش می زیست، اولاً باید در سنگنبشته های داریوش هم، مانند اوستا از ویشتاسپ به گونه "گوی ویشتاسپ" یاد میشد که چنین نیست؛ ثانیاً چگونه می توان باور کرد که "زرتشت" پیامبر مزداپرستان در سرودهای دینی خود، از "ویشتاسپ"، شهربان (مرزبان) فرمانبر "داریوش"، با سپاسگزاری و بزرگداشت و درود و آفرین یاد میکند؛ اما از داریوش با آن آوازه جهانگیر، سخنی به میان نیاورد و داریوش نیز در سنگنبشته های خویش، نامی از پیام آور و دادگذار بزرگ روزگار خود ننویساند؟

از سوی دیگر، چگونه زرتشت - که بنابراین روایت، در میان پارسیان زندگی میکرده - گاهان خویش را به زبانی جز زبان آنان (زبان سنگنبشته های هخامنشی یا پارسی باستان) سروده است؟ همچنین باید توجه داشت که در اوستا "گوی ویشتاسپ" پسر اوروآت اسپ" (= لهراسپ) است، حال آنکه در تاریخ هخامنشیان، ویشتاسپ پدر داریوش، پسر "آرشام" خوانده شده است.

در برابر این روایت، دانشوران و اوستاشناسان پژوهشگر با تکیه بر دلایلهای جامعه شناختی و زبان شناختی و مجموع آگاهیهای موجود، بدین نتیجه رسیده اند که زمان زندگی زرتشت در فاصله میان ۱۵۰۰ تا ۸۰۰ پ.م. بوده است و بیشتر زمانی در حدود یک هزاره پیش از میلاد را یادآوری میکنند که بیش و کم با دوران کوچ آریائیان از سرزمینهای آسیای میانه به نجد ایران نیز همزمان است. "تدسکو" و (به پیروی از او) "میه" برآنند که صرفنظر از هر دلیل دیگری که میتوان

در رد نظریه همزمانی زرتشت با هخامنشیان اقامه کرد، این نکته مهم و قابل توجه را باید در نظر داشت که "گاهان" در چنان شرایط اجتماعی و سیاسی ویژه ای سروده شده که اصلاً در دوره هخامنشیان وجود نداشته است.

در مورد زادگاه زرتشت نیز، گوناگونی نظریه ها کمتر از اختلاف آرا در باره زمان زندگی وی نیست. گروهی زادگاه او را جایی در باختر و جمعی در خاور ایران (یعنی همان سرزمین نشر دین زرتشتی) می دانند و عده ای کرانه دریاچه "چیچست" (اورمیه یا ارومیه کنونی) را زادگاه وی می شمارند و برخی بر آنند که زرتشت در شهر باستانی "رگا" یا "رغا" (=ری امروزی) چشم به جهان گشوده و در بزرگسالی به خاور ایران کوچیده است.

هواداران هیچ یک از این نظریه ها، دلیلی روشن و پذیرفتنی برای ثابت کردن گفته خود ندارند و بیشتر دلیلهای توضیحی آنان ناهماهنگ و ناسازگار است. از خود اوستا نیز - خواه از گاهان، خواه از بخشهای اوستای نو - چیزی در این زمینه یافت نمیشود.

در جغرافیای اساطیر و دین ایرانیان - گذشته از "ایران ویج" که جای آن به درستی دانسته نیست - بیشتر سرزمینها و رودها و دریاچه ها و کوهها به طور نسبی با سرزمینها و رودها و دریاچه ها و دریاها و کوههای واقع در خاور ایران قابل تطبیق است. اما گریم که این تطبیق قطعی هم باشد، باز کمکی به روشن شدن مسئله زادگاه زرتشت نمی کند و تنها منطقه نشر دعوت و گسترش دین وی را مشخص میکند.

دلیلهای زبان شناختی نیز تا کنون نتوانسته است این امر را از پرده ابهام بدرآورد؛ زیرا با آن که تقریباً همه پژوهشگران و اوستاشناسان در نسبت دادن "گاهان" به شخص زرتشت همداستانند، درباره چگونگی و کجائی زبان این سرودها، برداشتهای گوناگون و غالباً متناقض وجود دارد و هرگاه - چنان که بسیاری از دانشوران معتقدند - زبان گاهان را یکی از زبانهای خاوری ایران بدانیم، باز هم نمی‌توانیم پاسخ این پرسش را بیابیم که: آیا این زبان، زبان مادری زرتشت بوده و یا او پس از کوچ به ایران خاوری، این زبان را که در آن جامع‌مول و رایج بوده و زبان رسمی و طبع‌آدبی به شمار آمده، برای سرودن نیایشهای دینی خود بکار برده است؟

بنابراین ناگزیر باید از بحث در باره زادگاه و بنیاد خانوادگی زرتشت بگذریم و به پذیرفتن نتیجه پژوهشهای بیشتر اوستاشناسان که جای نشر دعوت زرتشت را در خاور ایران می‌دانند، بسنده کنیم و بگوئیم: زرتشت کهن ترین دادگذار و شاعر و اندیشه‌ور ایرانی از جایی در ایران زمین برخاست و در خاور این سرزمین، دین و پیام خود را آشکار کرد.